

# استعانت به صبر و نماز

## مقدمه

انسان موجودی فقیر و نیازمند آفریده شده است و هر فقیری نیازمند به کمک است تا از راه کمک خواهی از دیگران و کمک کردن دیگران به او، نیازهایش را برطرف سازد، همین نیاز انسان ها به یکدیگر است که آنها را به هم پیوند می دهد و این پیوند موجب می شود تا هر فردی به میزان توان خود نیاز طرف دیگر را برطرف کند، خواه این نیاز مادی باشد مانند: تأمین خوراک و پوشاک و مسکن و... خواه معنوی باشد، مانند: نیاز به علوم و... .

## نیاز مقید و مطلق

البته نیاز انسان به انسان های دیگر نیاز مقید و محدود است، یعنی هر انسان در هر بعدی از ابعاد وجودی خود و یا شئونی از شئون که نیازمند است به فردی احتیاج دارد که در آن بعد بتواند نیازش را برطرف سازد. از باب مثال: انسانی که می خواهد خانه ای بسازد به دلیل این که خود بنایی نمی داند به بنا نیازمند است، و یا چون جاهل است به عالمی نیازمند است تا نیاز او را به علم برطرف سازد. اما نوعی نیاز نیز وجود دارد که مطلق است و آن نیاز انسان به خداست.

زیرا انسان به لحاظ وجودی وابسته و ربط محض به خداست و هیچ سهمی از استقلال ندارد. از این رو در همه شئون و ابعاد وجودی خود نیازمند به خدا است و خدا باید نیاز او را برطرف گرداند. قرآن کریم می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛ ای مردم شما همگی

---

۱. سوره فاطر، آیه ۱۵.

نیازمند به خدائید، تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است. و چون خدا بی نیاز مطلق است آدمی در حال نماز به او اعلام می دارد که ما فقط از تو استعانت می طلبیم.

چنانکه فقط تو را عبادت میکنیم ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ راز این که فقط باید از خدا استعانت کرد آن است که هرچه برای رفع نیاز مورد استفاده قرار می گیرد همه و همه از شئون فاعلیت خدای سبحان و از سربازان آماده الهی است که هر یک در نظام آفرینش مأمور کاری هستند. انسان موحد، خالق، هادی، مطعم، ساقی و شفا دهنده را خدای سبحان می داند.

البته خدا از راه اسبابی خاص فاعل این امور است و مسبب الاسباب نیز خود اوست. یعنی خدا همان طور که غذا و آب را آفریده و به آن خاصیت سیر و سیراب کردن بخشیده است پیامبران را فرستاده و به اذن خود به آنها خاصیت هدایت کردن را بخشیده است.

## جواب یک سؤال

اگر تنها باید از خدا کمک خواست پس چرا به آدمیان فرمود: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛ همدیگر را بر نیکی و تقوا کمک کنید، یعنی دیگران نیز می توانند به انسان کمک کنند. در جواب می گوئیم: به مقتضای توحید افعالی همه کارهای نیک نیکوکاران از آن خداست و همه فاعل ها از درجات و شئون فاعلیت خدای سبحان هستند یعنی خدا انسان های مددکار را آفریده و به او توان امداد و گره گشایی را اعطا کرده است. در حقیقت او آیت خداست و این کارها همه از اوصاف فعلی خداست که از مقام فعلی او انتزاع می شود و زاید بر ذات اوست از این رو استعانت از هر چیزی استعانت از فیض

---

۱. سوره مائده، آیه ۲.

خداست نه غیر آن و هیچ معینی در اعانت خود مستقل نیست. با توجه به این حقیقت است که تعاون و استعانت و اعانت از دیگران منافات با حصر استعانت از خدا ندارد.

## استعانت راستین و دروغین

راه آزمودن استعانت راستین آن است که انسان همه شئون هستی خود را محاسبه کند، اگر در هیچ شأنی از شئون خود به غیر خدا تکیه نکرد او در نماز صادقانه میگوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ اما اگر در هر پیش آمد و رخداد حادثه ای به غیر خدا نظر دارد و اگر پس از امید شدن از اسباب عادی به سوی خدا می رود او صادقانه خدا را کمک کننده خود نمی داند. از باب مثال اگر کسی در صورت رخدادن حادثه ای اولین پناه گاهش را خدا می داند صادق است و اما اگر غیر خدا مانند قدرت خود یا قبیله را، در ادعای استعانت از خدا کاذب است.

به طور خلاصه می توان گفت: با توجه به نیازمندی مطلق انسان به خدا، اولاً: استعانت برای انسان لازم و کمال وجودی اوست و ثانیاً: متعلق استعانت همه شئون تکاملی اوست و ثانیاً: آن چه از انسان صادر می شود هرچند به صورت استعانت باشد همگی در تعمیم نصاب استعانت سهم دارد و رابعاً مبدا افاضه هر فیضی خدای سبحان است که شریک و ظهیر و پشتیبان ندارد و خامساً: هر جا سخن از اعانت صادق و تعاون حق است در واقع آن معین مظهري از مظاهر اعانت خداست.

## استعانت از صبر و نماز از برنامه های مؤمنان

خدای سبحان در قرآن خطاب به مؤمنان فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ

اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، به صبر و نماز استعانت کنید. زیرا خدا با صابران است. در این آیه به مؤمنان می گوید: برای موفقیت و پیروزی از دو نیروی صبر و نماز کمک بگیرید. زیرا انسانی که در برابر حوادث گوناگون قرار بگیرد، در صورتی می تواند در برابر آن حوادث ایستادگی کند و از پا در نیاید که اولاً از قدرت صبر و پایداری و استقامت و پایداری استعانت کند و ثانیاً به تکیه گاهی تکیه کند که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد و نماز وسیله ای است که او را با چنین مبدئی مربوط میسازد از این راه میتواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند. آیه فوق در واقع انسان مؤمن را به دو اصل سفارش می کند یکی اتکا به نفس و خود یاری که از آن به صبر یاد شده است و دیگری اتکای به خداوند که نماز مظهر آن است.

## راز ذکر صبر با نماز

در قرآن کریم هنگام طرح امور بسیار مهم و برای ورود در آن مقدمه ای ذکر می شود. بر خلاف امور عادی که بیان آنها بدون ذکر مقدمه است. نبرد با دشمن داخلی یا خارجی و مقاومت و پیروزی یا شهادت در آن نیز از امور مهم اسلامی است از این رو در آیه مورد اشاره که در آغاز به عنوان مقدمه عظمت صبر را بیان می کند زیرا از عوامل مؤثر در پیش برد جنگ صبر و بردباری از یک سو و تقرب و عروج به طرف ملکوت از سوی دیگر است.

با توجه به این که چهره دین باید در همه مظاهر تجلی کند و هیچ امر دینی از نماز جدا نیست و صبر و مقاومت بدون نماز راه بجایی نمیبرد، صبر و نماز را در کنار هم ذکر کرده و آن دو وسیله کمک

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۳.

رسانی خدای متعال است.

## شرط تنزل نصرت الهی

خدای سبحان در آیه به مؤمنان استعانت به صبر و نماز می دهد، با این که نصر و کمک فقط نزد خداست؛ ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾<sup>۱</sup> پیروزی و نصرت فقط از نزد خداست، معین و مستعان تنها خدای متعال است. با توجه به انحصار نصر و پیروزی از نزد خدا، چرا به مؤمنان دستور می دهد از صبر و نماز استعانت بجوئید؟

در جواب می گوئیم: اگرچه نصرت و یاری در نزد خداست لیکن یاری فرستادن خدا مشروط است نه مطلق. از این رو فرمود: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُنَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۲</sup> اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می کند. از این رو خدای سبحان عده ای را که از یاد خدا اعراض و به خود اکتفا کرده اند مخدول می کند ﴿فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ﴾<sup>۳</sup> در آیه محل بحث با امر به استعانت به وسیله صبر و نماز به شرط تنزل نصرت الهی اشاره می کند، یعنی آن که خواهان بهره مندی از رحمت و نصر الهی است باید صابر و نماز گزار باشد و دین خدا را یاری کند.

## با استعانت به صبر و نماز نه از صبر و نماز

سؤالی در اینجا مطرح می شود که چرا در این آیه خداوند به مؤمنان دستور می دهد به صبر و نماز استعانت کنید نه از صبر و نماز. در جواب می گوئیم: صبر و نماز وسیله قابلی هستند نه معین و

---

۱ . سوره آل عمران، آیه ۱۲۶.

۲ . سوره محمد (ص)، آیه ۷.

۳ . سوره محمد (ص)، آیه ۱۳.

مستعان فاعلی چنان چه تقوا و جهاد و مانند آن وسیله است، صبر و نماز نیز وسیله یاری خواستن از خدا است. به عبارت دیگر: صبر و نماز مبدا فاعلی مدد رسانی نیستند، زیرا مبدأ فاعلی مدد رسانی خدای سبحان است و صبر و نماز متمم قابلیت قابل است و قابل را برای تنزل فیض خدا آماده می کند یعنی این گونه وسیله قابلی است و خدا کمک کننده فاعلی است.

قرآن کریم این معنا را که در صبر نیز باید به خدا استعانت داشت از گفته موسی کلیم فرمود: ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا﴾<sup>۱</sup>؛ موسی به قومش گفت: به خدا استعانت کنید و صابر باشید. وعده ای در برابر استعانت صبر به بنی اسرائیل داده است که ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup> خدای سبحان زمین را به هرکس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و سرانجام از آن پرهیزگاران است. نصیب بنی اسرائیل از این استعانت و صبر، فرجام نیکو و تحقق وعده تخلف ناپذیر الهی درباره آنان خواهد بود. ناگفته نماند که صبر یک کمال وجودی است و همه کمال های نظام هستی از خدای نظام بخش است صبر را نیز خدا باید به انسان اعطا کند یعنی تنها فاعلی که این کمال را به انسان می بخشد خدای سبحان است. نکته اساسی در لزوم استعانت به نماز این است که نماز نه تنها عمود دین است بلکه ستون استقرار، استقلال، آزادی و حیات بر این جامعه است.

## تفاوت صبر و نماز

دستور استعانت به صبر و نماز در آیه مورد بحث، همچنین در آیه ۴۵ سوره بقره نیز آمده است، در آن جا فرمود: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ به صبر و نماز استعانت

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸

۲. سوره اعراف، آیه ۱۲۸

بجویند که به راستی نماز کاری بس سنگین و گران است مگر بر فروتنان.

سؤال که در اینجا مطرح است این است با این که در هر دو آیه صبر و نماز با هم ذکر شده است در آیه ۴۵ سوره بقره نماز مهمتر از صبر تلقی شده است در حالی که در آیه ۱۵۳ همین سوره، صبر مهمتر از نماز تلقی شده است. راز این تفاوت بر می گردد به تفاوت در مورد صبر و نماز در دو آیه. در آیه ۴۵ به لحاظ این که مسئله عبادت مطرح است اهمیت را به نماز می دهد ولی در آیه ۱۵۳ به لحاظ مسئله جنگ و نبرد و تحمل رنج های مبارزه و لزوم پایداری و پرهیز از عقب نشینی مطرح است به بیان صبر اهتمام ورزیده است. لذا فرمود: خدا با صابران است با این که خدای سبحان با نمازگزاران نیز هست و نماز نیز در حل مشکلات جنگ و پیشبرد آن تأثیر بسزایی دارد.

## رابطه صبر و نماز

در مبارزه با هوس و رهایی از رذایل درونی و پایداری و پیروزی در برابر دشمن بیرونی، صبر و نماز هر دو سهم دارند و یکدیگر را کمک می کنند به این صورت که جزع و بی تابگی که در برابر صبر و استقامت است به وسیله نماز برطرف می شود. از این جهت می توان گفت صبر محصول نماز است زیرا انسان گرچه بالفطره صبور است، نماز مانع حرص و بی تابگی است و صبر را تثبیت و انسان بی تاب را صبور و شکیبا می کند.

از سوی دیگر سهم صبر در تدافع از خصم و سهم در تهاجم بر دشمن آشکارتر است از این رو گفته اند نماز ستون دین است.

از سوی دیگر خود نماز نیز حاصل صبر است. زیرا طاعت که باید بر آن صبر کرد شامل نماز نیز هست و نماز گزار بر طاعت نماز صبر می کند و تا انسان صبر بر اطاعت نداشته باشد نماز نخواهد گزارد.

## سنگینی و بزرگی نماز

چنانچه گفته شد خدای سبحان در آیه ۴۵ سوره بقره نماز را به بزرگی و عظمت یاد می کند. این تعبیر بیان گر اهمیت و عظمت ذاتی نماز است. بنابراین، اگرچه حمل آن میسور خاشعان است لیکن بر آنان نیز سنگین و عظیم است. از این رو امامان معصوم (ع) هنگام نماز وادای این امانت سنگین الهی با چهره زرد و تپش پهلوها نماز می گزارند چنان که درباره امام حسن مجتبی (ع) گفته شده است «كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَأَيْتُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup> وقتی برای نماز می ایستاد پهلوهایش در برابر خدا دچار تپش و لرزش می شد.

## ملاک مقبولیت نماز

قرآن کریم نماز را بازدارنده انسان از فحشا و منکر معرفی میکند و می فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾<sup>۲</sup>؛ نماز را به پا دارید که نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد. بر طبق این آیه خداوند تشخیص قبولی یا عدم قبولی نماز را به قیامت واگذار نکرده است، پیش از قیامت نیز می توان پذیرش یا عدم پذیرش نماز را تشخیص داد و نسبت به آن اطمینان پیدا کرد. چنان چه امام صادق (ع) فرمود: «من أحب أن يعلم أقبلت صلاته أم لم تقبل، فليُنظر هل منعه صلاته عن الفحشاء و المنكر؟ فبقدر ما منعه قبلت منه»<sup>۳</sup>؛ هر کس در پی آگاهی از قبول یا عدم قبول نماز خویش است بنگرد آیا نماز او را از گناه باز می دارد یا نه، قدر مقبول از نماز به میزان مانعیت آن از ارتکاب

---

۱. الامالی (صدوق)، ص ۱۷۹

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۲۲



گناه است. قبول نشدن نماز برای غفلت زدگان در قیامت روشن می شود، لکن اهل مراقبت و محاسبه با توجه به ملاک یاد شده، با احساس اندک گرایشی به زشتی، عدم مقبولیت نماز خویش را در می یابند و آن را جبران می کنند. بر این اساس انسان باید، آثار عبادت را در خود بیابد و چنان چه اثر مثبت آن را در خود نیافت بداند مؤثر نبوده و قبول نشده است.

نماز فقط مجموعه حرکات و سکانات و عبادتی صوری نیست زیرا اگر نماز همین بود آن آثاری که باید داشته باشد نمی داشت و آدمی را از گناه باز نمی داشت، از این رو خدا از کسانی سخن می گوید که نماز آنان صوری است و آنان را از زشتی باز نمی دارد زیرا آنها از نماز خود غافلند و دل به غیر خدا داده اند، ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾<sup>۱</sup> وای بر نمازگزاران که از نمازشان غافلند و بدان اهتمام نمی ورزند. در این آیه سخن از تارکان نماز نیست بلکه از نمازگزارانی است که از نمازشان غافل اند و درباره آن نمی اندیشند.

## اصلاح پیامدهای سوء طبیعی نماز

انسان دارای فطرتی توحیدی است و با آن خدا را می شناسد و او را می طلبد و طبیعتی دارد که بدن او از آن تنظیم شده است، خدای متعال آن فطرت را به خود و طبیعت را به کل نسبت می دهد.

طبیعت انسان که به طین بر می گردد و به حس نزدیکتر است. دارای پیامدهایی است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا \* إِلَّا الْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ

---

<sup>۱</sup>. سوره ماعون، آیات ۴ و ۵

دَائِمُونَ<sup>۱</sup>؛ به راستی انسان آزمند و حریص آفریده شده است، چون گزندی به او روی بیاورد بی تابی می کند و ناله و اندوه سر می دهد و چون خیری به او روی بیاورد آن را به شدت از دیگران باز می دارد، مگر نمازگزاران، همانان که بر نماز خود مداومت میکنند.

حریص و آزمند بودن و بی تابی و منوع بودن دردهایی است که از طبیعت انسان برخاسته و نشان نقص طبیعی اوست، نماز که از فطرت انسان بر میخیزد همه این پیامدهای سوء طبیعی را درمان و اصلاح می کند. لازم به تذکر است حرص ذاتاً نکوهیده نیست به گونه ای که اگر در نهاد انسان قرار داده شد آفرینش الهی ناقص باشد، چگونه ممکن است این صفت ناپسند باشد، در صورتی که این صفت تنها وسیله رسیدن انسان به کمال و سعادت واقعی است، انسان اگر برای رسیدن به خیرها حریص نباشد و در برابر رنجها و گزندها بی تابی نکند و آه و ناله سر ندهد هرگز نمی تواند به سعادت نایل شود.

آن چه در این میان مهم است خیر و شر واقعی است. از این روی خدای سبحان نیروی عقل را در انسان آفریده است تا خوبی ها را به وسیله آن بشناسد سپس با نیروی حرص و آز برای دست یابی به آن تلاش کند و بدی ها را نیز تشخیص دهد و با نیروی جزع از آنها بگریزد. از آن جا که خیر واقعی انسان سعادت واقعی او در سرای آخرت است و شر حقیقی او تیره بختی او در جهان آخرت است، انسان خردمند چون مرتکب گناه شود آشفته می گردد و به درگاه خدا تضرع می کند چون کار نیکی ببیند برای انجام آن تلاش می کند و میخواهد بیش از دیگران به انجام آن توفیق یابد و چیزی جز حرص او را به هنگام گناه به آشفستگی و تلاش برای کار نیک و انمی دارد.

---

۱. سوره معارج، آیات ۱۹-۲۳.

پس نه تنها این صفت نکوهیده نیست بلکه برای تکامل آدمی ضروری است و برای استفاده صحیح از حرص، انسان نمازگزار آن را با حسن تدبیر در مسیر تکامل خویش به کار می گیرد.

## آثار نماز و اوصاف نمازگزاران

خدای سبحان در آیات سوره معارج علاوه بر آن که آنان را اهل مداومت بر نماز معرفی می کند، اوصاف دیگران را برای آن بر می شمارد:

۱. انسان نمازگزار به فکر محرومان و نیازمندان است. زیرا نماز انسان را وادار می دارد تا در مسائل مالی، اعم از واجب و مستحب به فکر نیازمندان و محرومان باشد: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾<sup>۱</sup>؛ این اهتمام و تامین مالی مختص به پرداخت زکات واجب نیست بلکه او را وادار می کند به آنها توجه ویژه کرده و حق آنان را ادا کند.

۲. انسان نماز گزار به یاد قیامت بوده و از عذاب الهی هراسناک است زیرا می داند به هیچکس امان نامه ای برای رهایی از عذاب الهی نداده اند. ﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ \* وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ \* إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ﴾<sup>۲</sup>؛ آنان که روز جزا را تصدیق کرده و تصدیق خود را در عمل نشان می دهند و آنان که از عذاب پروردگارشان هراسناکند چرا که می دانند کسی را از عذاب پروردگارشان ایمنی نداده اند.

۳. نمازگزار انسانی عقیف و پاکدامن است؛ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ

---

۱. سوره معارج، آیات ۲۴-۲۵.

۲. سوره معارج، آیات ۲۶-۲۸.

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ \* فَمَنْ ابْتغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿١﴾؛ و آنان که دامن خود را حفظ می کنند مگر از همسرانشان یا کنیزانی که مالک آن ها شده اند که اینان نکوهش نمی شوند.

۴. نمازگزار امین است و به عهد و پیمان خود وفا می کند؛ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾<sup>۲</sup> و آنان که امانت های همدیگر را پاس می دارند و بر پیمان خود وفادارند.

۵. نمازگزار حدوثا و بقاء به حق و عدل شهادت می دهد؛ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ﴾<sup>۳</sup> و آنان که شهادت های خود را برپا می دارند و در عمل و ادای آن هیچ گونه کوتاهی نمی کنند و در آن تغییری نمی دهند.

بالاخره نمازگزارند ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾<sup>۴</sup>؛ کسانی که بر نماز خود مراقبت می کنند و آداب کمال آن را رعایت می کنند. در نهایت پاداش نمازگزاران راستین نیز بهشت است؛ ﴿أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾<sup>۵</sup> آنان در بوستان بهشتی خواهند بود و در آن مورد احترام قرار خواهند گرفت.

## معیت خدا با صابران

در پایان آیه ۱۵۳ سوره بقره خداوند به عنوان برهان قضیه می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ خداوند در حقیقت با صابران است و این همراهی و معیت، همراهی خاصی است و گرنه خدا با همه در

---

۱. سوره معارج، آیات ۲۹-۳۱.

۲. سوره معارج، آیه ۳۲.

۳. سوره معارج، آیه ۳۳.

۴. سوره معارج، آیه ۳۴.

۵. سوره معارج، آیه ۳۵.

همه حالات هست. توضیح آن که معیت خدای متعال سه قسم است؛

۱. معیت مطلق و آن این که خدا با هر موجودی هست؛ ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾<sup>۱</sup>؛ او با شماست

هرجا که باشید. زیرا خداوند جامع همه کمالات وجودی است از این رو او همه جا حضور دارد و چیزی از او پنهان نیست.

۲. معیت خاصی که معیت با لطف و رحمت و مهر است، خدای سبحان به عنوان غفار و رؤوف و

مهربان با سالک صالح است؛ ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۲</sup> بدانید که خدا با اهل تقوا است.

۳. معیت خاص که قهر است و خدای سبحان به قهار و منتقم با طغیان گران فاسدان و کافران و

فجار و بد اندیشان است. در آیه مورد بحث از معیت خاص خدا که می فرماید: خدا با صابران است.

## نتیجه گیری

در این مقاله از نیازمند آفریده شدن انسان سخن به میان آمده انسانی که نیازمند آفریده شده است

او را وادار می کند با دیگران پیوند برقرار کند، اما چون موجودی ممکن است و دارای وجود ربطی و در

نتیجه نیازمند مطلق است به موجودی تکیه می کند که او بی نیاز مطلق است. از این رو به خدای سبحان

که بی نیاز مطلق است تکیه می کند و از او استعانت می جوید. بر این اساسی است که خداوند یکی از

وظائف مؤمنان را استعانت از خدا به وسیله نماز و صبر می داند و از آنها می خواهد که از صبر به منظور

خودباوری و از نماز به عنوان وسیله نیرو گرفتن از خدای متعال استفاده کند و در مسیر تکامل در برابر

---

۱. سوره حدید، آیه ۴.

۲. سوره توبه، آیه ۳۶.

حوادث و مشکلات و رنج‌ها ایستادگی نماید.

البته صبر و نماز در صورتی معین انسان در مسیر تکامل است که صبر حقیقی بوده و نماز نیز واقعی به گونه‌ای که واقعاً انسان صابر خدا را در معیت خود مییابد و نماز را به گونه‌ای برپا می‌دارد که او را از زشتی‌ها باز می‌دارد و این باز داشتن از زشتی‌ها نشانه قبولی نماز است و در پایان به آثار و برکات نماز پرداخته شده است.